

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه محشای  
قوانین و مقررات مربوط به اعسار

---

تدوین و تنظیم:

دکتر محمد هادی فضلعلی

قاضی دادگستری تهران

انتشارات چتر دانش

۱۳۹۴

عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام  
 عنوان و نام پدیدآور : مجموعه محشای قوانین و مقررات مربوط اعسار  
 /تدوین و تنظیم محمدهادی فضلعلی.  
 مشخصات نشر : تهران : چتر دانش ، ۱۳۹۴.  
 مشخصات ظاهری : ۹۱ص.؛ ۱۱×۱۷ س.م.  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۲۱-۲  
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا  
 موضوع : ایران -- قوانین و احکام  
 شناسه افزوده : فضلعلی، محمدهادی، ۱۳۵۶ -  
 رده بندی کنگره : KMH۴۹۴۱۳۹۴  
 رده بندی دیویی : ۳۴۷/۵۵  
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۸۰۰۲۹

نام کتاب : مجموعه محشای قوانین و مقررات مربوط به اعسار  
 ناشر : چتر دانش  
 تدوین و تنظیم : دکتر محمد هادی فضلعلی  
 نوبت و سال چاپ : اول - ۱۳۹۴  
 شمارگان : ۱۰۰۰  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۲۱-۲  
 قیمت : ۶۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران- خیابان انقلاب- خیابان ۱۲ فروردین- کوچه نوروبز- پلاک ۱۳  
 تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۷۸۹۱۵ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۸۹۰۵۹  
 پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com  
 کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## فهرست

- درآمد..... ۶**
- بخش اول: اعسار نسبت به هزینه‌ی دادرسی..... ۱۳**
- (۱) قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (مصوب ۱۳۷۹)..... ۱۳
- باب هشتم: هزینه دادرسی و اعسار ..... ۱۳
- فصل دوم: اعسار از هزینه دادرسی ..... ۱۷
- (۲) قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (لازم‌الاجرا از ۱۳۹۴/۴/۱)..... ۲۹
- بخش ششم: هزینه دادرسی..... ۳۱
- (۱-۳) قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱)..... ۳۷
- (۲-۳) آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۷)..... ۳۸
- رئیس قوه قضائیه)..... ۳۸
- بخش دوم: اعسار نسبت به محکوم‌به و دین..... ۳۹**
- (۱) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۷/۱۵ (لازم‌الاجرا از ۱۳۹۴/۵/۷)..... ۳۹
- (۱-۲) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ ..... ۸۴
- (۲-۲) آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۷)..... ۸۴

رئیس قوه قضائیه)..... ۸۵

**بخش سوم: افسار نسبت به جزای نقدی ..... ۸۶**

قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (لازم الإجراء از

.....(۱۳۹۴/۴/۱) ۸۶

## سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی به‌منصه‌ی ظهور برساند.

**فرزاد دانشور**

**مدیر مسئول انتشارات چتر دانش**

## درآمد

به‌نام آن‌که جان را فکرت آموخت

**الف)** توسل به اجبار بدنی و بازداشت مدیونین به‌عنوان اهرم فشاری به‌منظور واداشتن بده‌کار به پرداخت دین خود، از دیرباز در نظام‌های حقوقی رایج بوده است. از جمله، در نظام حقوقی اسلام، بازداشت مدیون مامل و مستنکف از پرداخت بدهی تا زمان پرداخت بدهی یا اثبات افلاس، تجویز شده است. در حقوق ایران نیز دست‌کم از زمان تصویب قانون اصول محاکمات حقوقی در سال ۱۳۲۹ قمری (۱۲۹۰ خورشیدی) بازداشت محکومان مالی متکی به تجویز قانون بوده و جز در مقطعی از زمان (که با تصویب قانون منع توقیف اشخاص در قبال تخلف از انجام تعهدات و الزامات مالی در سال ۱۳۵۲ و در پی آن، پیوستن ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۱</sup> در سال ۱۳۵۴، بازداشت مدیونین و محکومین مالی با محدودیت مواجه شده و تنها راه پیش‌روی محکوم‌له برای وصول محکوم‌به، دست یازیدن به اموال شناسایی شده از محکوم‌علیه بود) سلب آزادی محکومان مالی همواره به‌عنوان طریقی قانونی برای اجبار بده‌کاران به پرداخت دین خود مطرح بوده است. هم‌چنین، از آن‌جا که حبس مدیون هیچ‌گاه جنبه‌ی کیفر نداشته

---

۱- ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۷ مجلس شورای ملی: «هیچ‌کس را نمی‌توان تنها به این علت که قادر به اجرای یک تعهد قراردادی خود نیست، زندانی کرد.»

و صرفاً وسیله و ابزاری برای ترغیب بده‌کاران به تسریع در پرداخت بدهی و پرهیز از پنهان کردن اموال خود و خالی نهادن دست مال‌باختگان به‌شمار می‌رود، همیشه در نقطه‌ی مقابل نهاد اجبار بدنی، امکان اقامه‌ی دعوی اعسار نیز برای اثبات ناتوانی محکوم‌علیه از پرداخت محکوم‌به فراهم بوده تا اشخاصی که قصد فرار از ادای دین نداشته و واقعاً عاجز از پرداخت بدهی هستند، به‌طور ناروا گرفتار آسیب‌های ناشی از بازداشت نشوند.

مطالعه‌ی اجمالی در سیر تاریخی و بررسی تطوّر قوانین مربوط به بازداشت محکومین مالی، مبین تحوّل موضع قانون‌گذار در طول زمان نسبت به موضوع یادشده است، به‌گونه‌ای که گاه قانون‌گذار، بازداشت محکومان مالی را (جز در خصوص حبس بدل از جزای نقدی) ممنوع کرده، و گاه ضمن تجویز بازداشت، سقف زمانی برای آن مقرر داشته (در مقطعی پنج‌سال و در مقطعی دیگر، دو سال) و بین میزان بدهی و مدت بازداشت هم تناسبی برقرار کرده (در مقطعی به‌ازای هر ۵۰ ریال بدهی یک‌روز و در مقطعی دیگر به‌ازای هر ۵۰۰ ریال بدهی، یک‌روز) و هزینه‌ی نگهداری محکوم‌علیه در محبس را نیز بر عهده‌ی محکوم‌له نهاده؛ گاه بازداشت را صرفاً نسبت به آن دسته از بده‌کاران که بدهی آن‌ها منشأ مجرمانه داشته جایز شمرده؛ گاهی نیز هم‌چون زمان حاضر، بازداشت مدیونین را در مورد همه‌ی اصناف بدهی‌ها، بدون سقف زمانی و بدون رعایت تناسب بین میزان بدهی و مدت بازداشت و بدون تحمیل هزینه به طلب‌کار مقرر نموده و تنها در مورد یکی از دیون (مهریه) محدودیتی از حیث مبلغ بدهی مقرر نموده است.

موضع رویه‌ی قضائی نیز هم‌چون مواضع قانون‌گذار خالی از تطوّر نبوده، و از جمله، در طول دوران حکومت هفده‌ساله‌ی قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ رویه‌ی محاکم دست‌خوش تحولات جدّی شده است. به‌عنوان نمونه، در سال‌های نخست اجرای این قانون، دادگاه‌ها غالباً رسیدگی به دعوی اعسار را منوط به حبس شدن محکوم‌علیه دانسته و دعوی اعسار مدیون غیرزندانی را تا قبل از صدور رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۶۶۳ در سال ۱۳۸۲ به‌سختی ممکن بود پذیرا شوند؛ اما در اواخر سال ۱۳۹۰ با صدور رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۷۲۲ حتی دعوی اعسار خوانده در برابر خواسته‌ی خواهان را در ضمن رسیدگی به دعوی نخستین نیز سزاوار استماع و رسیدگی دانستند، بدون آن‌که تغییری در قانون پدید آمده باشد. بدین ترتیب، محاکم ابتدا قرائتی کاملاً سخت‌گیرانه از مفاد قانون داشتند و تدریجاً که آثار سوء این تندی آشکار شد، مواضع خود را با تمسک به استنباطی ملایم‌تر از همان قانون، تعدیل کردند؛ تعدیلی که هم‌چند شایستگی و بایستگی‌اش، متأسفانه بطیء بود و دیرهنگام!

ب) جزای نقدی یکی از رایج‌ترین کیفرهایی است که درباره‌ی بسیاری از جرائم، گاه به‌تنهایی و گاهی همراه سایر مجازات‌ها؛ گاه به‌طور مقطوع و گاهی به‌طور نسبی (به‌صورت مضربی از اموال ناشی از جرم) مقرر شده است. هدف اصلی از وضع این کیفر، غالباً افزایش هزینه‌ی ارتکاب جرم و مآلاً کاهش انگیزه‌های مالی بزه‌کاران است. از آن‌جا که مجرمین به‌طور هوشیارانه اموال در اختیار خود (به‌ویژه اموال حاصل از جرم) را مخفی می‌کنند، قانون‌گذار به‌منظور مقابله



با این رفتار، حبس بدل از جزای نقدی را تمهید نموده تا افزون بر واداشتن محکومان به افشای اموال پنهان شده از طریق تهدید آنان به بازداشت، اجرای مجازات هیچ‌گاه به‌علت دسترسی نیافتن به اموال محکوم‌علیه معطل نماند و در فرضی که به هر علت، توفیقی در اجرای کیفر اصلی (جزای نقدی) حاصل نمی‌شود، دست‌کم بدل آن به‌موقع اجرا گذارده شود. بر این اساس، و با توجه به اصل فوریت اجرای احکام کیفری، قانون‌گذار غالباً قطع‌نظر از این‌که محکومان، توانایی مالی برای پرداخت یک‌جای جزای نقدی دارند یا نه، بازداشت روزانه‌ی مستنکفین و عاجزین از پرداخت جزای نقدی را به‌عنوان تنها راه‌حل اجرای کیفر مقرر نموده است. مع‌الوصف از آن‌جا که سخت‌گیری مفرط در این طریق، موجب حصول نتیجه‌ی معکوس (یعنی تحمیل هزینه‌ی مضاعف زندان‌بانی به دولت، به‌جای وصول جزای نقدی) می‌گردد و آفات متعدد دیگری نیز به‌دنبال دارد، قانون‌گذار در هنگام وضع قانون جدید آئین دادرسی کیفری (لازم‌الاجرا از ۱۳۹۴/۴/۱) راهی میانه در پیش گرفته و به تأسی از قانون کوتاه‌عمر نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۵۱ تمهیدات دیگری نیز برای وصول جزای نقدی مقرر نموده که از جمله‌ی آن‌ها، امکان طرح دعوای اعسار و مآلاً تقسیط جزای نقدی است. فایده‌ی مهم این شیوه این است که هم مجازات اصلی عیناً اجرا می‌شود و به کیفر سنگین‌تری که (نه مورد نظر مقنن بوده، و نه از سوی دادگاه مورد حکم قرار گرفته) تبدیل نمی‌گردد؛ و هم هزینه‌ی مضاعفی بر دولت تحمیل نمی‌شود. هم‌چنین آثار ناگوار حبس نیز بر محکوم و خانواده‌ی او تحمیل نمی‌گردد.

ج) دادخواهی بی‌تردید حق مسلم جمله‌ی انسان‌هاست و یکی از مهم‌ترین جهاتی که برپایی حکومت در جوامع انسانی را توجیه می‌کند و بلکه لزوم آن را عقلاً واجب می‌گرداند، همین ضرورت دادرسی و دادگری است، که اگر نباشد، هجوم خواسته‌های پایان‌ناپذیر گروهی از مردمان تمامت‌خواه و سلطه‌جو (که تقیدی به اخلاق و دیانت نداشته و جز از نفس سرکش فرمان‌بری نمی‌کنند) زندگانی را بر نوع بشر تلخ و تحمل‌ناپذیر می‌کند.

مطالبه‌ی هزینه‌ی دادرسی از کسی که برای واستاندن حق خود به عدلیه پناه آورده، شایسته‌ی جامعه‌ی مطلوب نیست و این هزینه‌ها اصولاً باید از محلّ درآمدهای عمومی تأمین شود.<sup>۱</sup> لکن از آن‌جا که آزادی مطلق در اعمال بی‌محدودیت حق دادخواهی هم ممکن است این وسیله‌ی مشروع را به ابزاری برای اضرار به غیر تبدیل کند، تقریباً در تمامی نظام‌های حقوقی کنونی، بخشی از هزینه‌ی دادرسی از مدعیان اخذ می‌شود تا بدین طریق از طرح دعاوی واهی جلوگیری شود یا دست‌کم این قبیل دعاوی به کم‌ترین مقدار تقلیل یابد و وقت گران‌قدر محاکم، هرچه کم‌تر مصروف بررسی ادعاهای بی‌پایه گردد. اما از آن‌جا که اخذ هزینه‌ی دادرسی در تمام موارد نیز موجب محروم شدن طبقات ضعیف جامعه از اعمال حق دادخواهی می‌گردد، معاضدت‌هایی برای اشخاص بی‌بضاعت تمهید شده تا پس از اثبات تنگ‌دستی خود بتوانند از دادرسی رایگان بهره‌مند شوند.

۱- در فقه اسلام، دادرسی اصولاً مجانی بوده و جز برای پاره‌ای خدمات قضائی (نظیر هزینه‌ی کاغذ برای تحریر حکم یا رونوشت آن، و ثبت اظهارات گواهان) هزینه‌ای برای دادرسی مقرّر نشده است.